

هرسازشی بارژیم خیانت به آرمان مردم است

زبونی رژیم در مقابل با جنبش و ایران عمومی کنونی ، ادامه پیروزمندان و برخوان اعصاب و تحریک همگانی و پیوسته هفتت نظرات چندین میلیون روزهای نوزدهم و بیستم آذرماه بیانشگر زمینه تحولی است که می تواند به انجام تغییرات مهم در ساخت قدرت سیاسی حاکم و ترکیب فعلی آن بیانجامد . مضمون این تحولات از یک سو گویای عقب نشینی دامنه دار و معامله جویانه رژیم فاشیستی مزدور و از سوی دیگر بیانگر قدرت عظیم خلق در مقابل با ارتجاع و گامی است که جنبش خلق در برابر زبونی رژیم می تواند سوی پیروزی به پیشش برآورد .

سرنوشت این تلافی دوران ما از خلق ، پیروزی یا شکست او ، مستقیماً به میزان آشنی تا پذیری عناصر رهبری جنبش انقلابی و دموکراتیک کنونی خلق ایران در برابر امپریالیسم و ارتجاع ، بستگی دارد .

در این میان خیل بیشماری از عاصبه نشینان جنبش که تازه سراز خواب سنگین زمستان برداشته اند ، باید میدان مبارزات با صلاح سیاسی بنهاده ، بدون داشتن هیچ طبعی به کردن مردم و بدون داشتن هیچ پایگاهی در درون خلق ، خود را رهبران جنبش بنهاده شده تعیین ترکیب گامینه و تشکیل حکومت انقلابی و تعیین شکل دولت آتی را وظیفه خود تصور کرده اند .

از آنجا که بر مبنای خواهد موجود گمان می رود این نیروها ، که بنابه ماهیت شان تا به امروز هیچ نشانی جز سازشکاری و فرصت طلبی از خود بجای نگذاشته اند ، در این مقطع بحرانی به یاری رژیم شتافته و به رفع بحران از طریق معامله کمر بسته باشند و با توجه به مآثورهای ماهرانه ای که هیات حاکمه و برخی راهبرها و منابع خارجه هر کدام به لالئل مختلف برای دگرگونه جلوه دادن نقشش و اهمیت این معادل در جنبش و کمب محبوبیت برای آنها در پیش گرفته اند ، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران " وظیفه خود می داند ، برای تحکیم طوفان رزمندگان واقعی راه رهاشی خلق ، با انشسای هویت و موضع واقعی این معادل ، چه داخلی و چه خارجی ، که خواسته یا ناخواسته ، نقشی جز بسسه انحراف کشیدن افکار عمومی و نهایتاً " خام کردن و غلبه کردن جنبش بوده ای ندارد ، این دوستان دروغین خلق را به آنها بشناساند و بدین وسیله همه طرحها و خوشه هاشی را که ممکن است یکبار دیگر مبارزات خلق تهران ما را در دریای از خون خفه کند ، بر علا مازده .

امروز که ماهیت رژیم و نقش ارتش مزدور و ضرورت مبارزه در راه سرنگونی رژیم و انکسار عملی و موثر این مبارزه بیش از هر زمان دیگر برای خیل عظیم توده های مردم افشاء و درک شده است .

امروز که رژیم مزدور بیش از هر زمان دیگر زیر ضربات مرکب و جنبش انقلابی خلق بلرزه در آمده است .

امروز که ارتش فد خلقی دست نشانده امپریالیسم به عمده ترین عامل گشتار و سرکوب خلق بدل گشته است .

امروز که رشد تفادهای درون صیانت حاکمه ، رفق رژیم را در مقابل با جنبش انقلابی خلق و سرکوب آن ، به پایان می برسد .

امروز که شرایط و مقتضیات بیش از هر زمان دیگر ملحق شدن مردم و آغاز جنگ مسلحانه علیه

پیروز باد مبارزه مسلحانه تنهاراهزهایی خلق ایران

رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم را ایجاد کرده است.

ادامه مبارزه هر چه بیگانه‌تر با دشمن منتهی شده خلق از یکسو و افشای ماهیت تمسکات کسانیکه تحت عنوان دوستان مردم تلاش دارند مبارزه را از مسیر اصلی یعنی سرنگونی رژیم شاه و نابودی ابزار اعمال قدرت امپریالیستی - دستگاه بوروکراسی و ارتش - منحرف نموده و بدین وسیله با فریب مردم و سازش با امپریالیسم به مقاصد ضد مردمی خود دست یابند از سوی دیگر، روشبه تمام نیروهای مبارز و انقلابیست.

بویژه پس از روی کار آمدن دولت نظامی برای مردم بیش از هر زمان دیگر روشن گشته که این رژیم سرتا پا مصلح را که حافظ نگهبان منافع امپریالیست‌هاست، توسل به روشها و تاکتیکهای قانونی، محافظه کارانه، سازشکارانه، مسالمت‌جویانه و اصلاح طلبانه متلاشی نخواهد کرد. بنیاد برکنار کردن رژیم به حکومت نظامی، دولت نظامی و ارتش، بیانگر آشتی ناپذیری خلق و رژیم وابسته به امپریالیسم شاه است که جز سرنگونی رژیم ضد مردمی علاج نخواهد شد. این رژیم جنایتکار، با انتخاب به ارتش، که سرکردگان آن جز فن مرکوب و کشتار بوده‌ها چیز دیگری از مریبان آمریکا و انگلیسی خود ننیاخته‌اند، ثابت کرده است که قطعاً "در تدارک جنایاتی بسیار بزرگتر از ۲۸ تیر، ۲۸ خرداد، ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور و روزهای اخیر خواهد بود. امپریالیسم ممکن است با تکیه بر ارتش چند صیاحی دیگر از سقوط شاه جلوگیری نماید ولی هیچ حیلۀ تبلیغاتی و سیاسی نمی‌تواند حتی ذره ای هم از کینه عمیق مردم نسبت به شاه بکاهد. مردم ما با تحمل رنجها و محرومیت‌های بیشمار و به قیمت خون بهترین فرزندان این سرزمین دشمنان واقعی و عاملین اصلی تمام جنایات را شناخته‌اند. خواست واقعی مردم در فریادهای میلیون‌ها تن بوده که یک زبان شعارهای "مرگ بر این سلطنت پهلوی" و "این شاه آمریکا را اعدام با بدگردد"، مراحتاً اعلام شده است. قدرت عظیم خلق قطعاً این احکام را به مرحله عمل درمی‌آورد.

* * *

اما برخی محافظان شناخته شده با استفاده از نتایج مبارزات مردم سعی می‌کنند با سسبازش و نگاهداشتن رژیم شاه تحت عنوان حکومت مشروطه سلطنتی و دفاع از قانون اساسی سهمی از قدرت شاه، را بهر قیمت برای خود دست و پا نمایند.

راه‌های قانونی و پارلمانی که آنها در مقابل مردم می‌گذارند، راه مردم نیست. این راه راه منتظر الوزاره هائیکست که در ۱۵ سال اخیر در عراق دستگاه شاه حسرت کشیده‌اند. آنها سسبازش خوانان شرکت در دولت هستند نه سرنگونی رژیم مظلوم شاه و دارودسته خود فروخته. جنایتکارش که جز مردم کشی و سرکوب خلق هیچ نقش دیگری نداشته‌اند.

آنها در گذشته ای نه چندان دور هم این باوه گوشه‌ها را تکرار کرده بودند، ولی مردم مسسبازش " مشروطه خواهان روز شنبه " را خوب می‌شناسند. راستی این آقایان تا امروز کجا خستند؟ در شکنجه گاهای کمیته و اوپن با در قهرهای چندین میلیون مجاور کاخ ذات اقدس؟! اگر در گذشته دفاع از احیای قانون اساسی و مبارزات متکی به قانون اساسی می‌توانست

وسیلۀ ای برای پیشبرد مبارزات مردم باشد، امروز که خلق یک زبان سرنگونی رژیم شاه و پایه‌های قدرت امپریالیستی او را طلب می‌کند، چسبیدن به شعار " قانون اساسی و حکومت قانون " ترمیمی در مقابل مبارزات خود ها، غیبت به منافع خلق زحمتکش و بیانگر ارتجاع محض است. بی جهت است که امروز دولت نظامی شاه خود را مدافع سرسخت قانون اساسی معرفی می‌کند و دوستان واقعی مردم را با این حربه مورد شهاجم قرار می‌دهد.

مردم ما همچنین، مسراجمی را که نسبت به آرمانهای انقلابی آنها موضعی در پهلوسر و رباکارانه بگیرند محکوم کرده و آنها را از صفوف خود بیرون خواهد راند. معیار سنجش درستان واقعی خلق، سازش ناپذیری و حکومت قاطع رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، این نکته گنبدیده و متعین ارتجاع است. به علاوه این مراجع هر قدر هم که در سخن بگویند امروز خود را به مسسبازش محاسبانند باز هم عمل و سوابق شان نشان دهنده ماهیت واقعی آنهاست.

حمله به دولت به دلیل عدم اجرای کامل قانون اساسی، موضع دو پهلوسر و تسلیم طلبانه در مبارزات ضدتشی و دادن روابه مشکوک با وابستگی رژیم شاه به غاشبیت که بیش از هر زمان دیگر ماهیت واقعی این عنوان دروشن مردم را برای همگان برملا کرده است.

ترس از تکلیف مردم و بزبان دیگر نیروی مردم قادر است درستان کاذب فراوانی برای مسسبازش برآورد. اما خلق ما در عمل نشان داده است که درخشین درستان واقعی خود از دوستان دروغسپس

تا کنون کمتر به خطا رفته است.

در بخش دیگر جنبش هم نغمه های با حار سازشکاری و فرصت طلبی نگوش می رسد. از آن جمله است تز تشکیل دولت اشتراکی حزب شده * که محتوی و رسالت آن حل بحران کنونی و حفظ رژیم بدون شاه و نجات سیستم است.

در مرحله کنونی از رشد مبارزات خلق، این فرصت طلبان واقعا "ملفوک" مفلوک، که قدرت تطبیق شکرگی با همه چیز درغود احساس می کنند! به شیوه ای رندانه در سودای اغتنام فرصت و بیسما کردن خود در سیستم وابسته به امپریالیسم و جوش خوردن با آنند.

چرا این املاح طلبان "جان سخت" نقش وجود ارتش موافق مصلح دست نشانده امپریالیسم آمریکا، یعنی رکن اصلی قدرت شاه، عامل عمده سرکوب جنبش انقلابی خلق، اهرم واقعی حاکمیت دیکتاتوری، ادامه وابستگی و سلطه امپریالیسم را بر روی خود نمی آورده اند زیرا آنها می خواهند ماشین دولتی را تصرف کنند نه اینکه آنرا مصلحتی نمایند.

زیرا برنامه آنان انجام اطلاعاتی است که خود امپریالیسم و ارتجاع داخلی، امروز بسرای نجات سیستم از خطر رویارویی با انقلاب اجتماعی سراسیمه مجال انجام آنرا می جویند زیرا اجرای این برنامه به مصلحتی کردن ماشین حکومتی نیاز ندارد.

این اشتغال که از مضمی مهاجران عشیق، سازشکاران کهنه کار و بی رمق و رانده شدگان از درگاه شاه، به روی کاغذ تشکیل شده - وظیفه عاجل خود را رفع بحران، اصلاحات سیاسی و رفاهی اقتصادی قرار داده و نابودی ارکان اصلی حفظ سیستم وابسته به امپریالیسم را به بعد مرکول می کند یا "اطلا" به براموشی می سپارد.

این طرح عملی می خواهد گریبان ارتجاع را از دست خلق رها سازد. با فرصت دهد مواضع خسرو را تحکیم کند و در نهایت با بورش مجدد به خلق کار را به تکرار طبع یک فاجعه تاریخی دیگر کشاند. آیا این همان عام کردن مردم و یکبار دیگر بررودن مار در آستین خلق نیست که جهت نیست که همه نیروهای خلقی این ورکشنگان جان سخت را همیشه با کینه خاصی از صفوف خوبش رانده اند.

تمام نغمه های مهور و ناهنجار حکومت قانون و سرنگونی دولت از راه های قانونی و مسالمت آمیز استقر! حکومت وحدت ملی و اشتراک ملی که سرنگونی کامل رژیم شاه و پایه های قسدرت امپریالیستی او را منکوت می گذارد و تنها احیای مشروطه ای کوشش دم بریده، با تشبیت رژیم بجای تشبیت شاه را مورد نظر قرار می دهد. در این شرایط هدفهای خدا مردمی دنبال می کنند. بی برده باید گفت هرکس چنین کند پنهان با آشکار در نهایت تنها خواهان یک چیز است، جاکسردن خود در سیستم و سهم شدن در حکومت وابسته به امپریالیسم.

* * *

ما همچنین هر نوع برغورد و رابطه تا شاید آمیزشست به رژیم شاه از جانب کشورهای سوسیالیستی را، به هریتی که باشد، بعنوان بی توجهی و برغوردی غیر اصولی با مبارزه خلق خیزش محکوم می کنیم. هرکشوری که امروز از مبارزات خلق ما در راه سقوط رژیم موجود حمایت نکند، درکنار مردم ما قرار ندارد.

مردم ما از مردم سراسر جهان، از کلیه نیروهای ترقی خواه، که امروز حاضر خیزش مجدد خلقی سرکوب شده اند، می خواهند که حمایت کامل خود را بهرشدگی که میسر است، از خواست حاکم مردم ایران که سرنگونی خاندان کثیف پهلوی، استقرار دموکراسی واقعی خلقی و استقرار بسک حکومت دموکراتیک واقعی است، ابراز دارند.

* * *

چ - از نظر ما چون مدافعان این تز در درون جنبش خلق "سخت" هیچ جایگاه، اعتبار یا نفوذی ندارند. افشاگری بر علیه آن تنها دارای اهمیت نظری است.

" سازمان چریکهای فدایی خلق ایران " که تنها راه رهاشی مردم ایران را از بندستیم امپریالیسم و ارتجاع داخلی ، جنگ مسلحانه توده ای میداند ، هر نوع سازش با این نظم منفسور و هر نوع توقف در مبارزه محاطر نابودی کامل رژیم بلوزه درآمده شاه دیکتاتور و اربابستان امپریالیستش را ، بزبان معالجه و آرمانهای مردم خلقی می گوید .

ما هرگز مقاصد و نظریات غریب را پنهان نخواهیم ساخت . ما آشکارا اعلام می کنیم که تنها از طریق واژگون کردن همه نظام اجتماعی موجود ، از راه جهاد دست یافتن به پیروزی قطعی میسر است . بگذار طبقات حاکم در مقابل انقلاب دموکراتیک خلق بپوزخه بپروند .

سازمان ما هر نوع حق در دادن به آشتی با رژیم و عقب بردن شاه ، تلاشی می داند که مشمول آن خام کردن و خاموش کردن مردمی است که امروز حاضرند تا بای جان برای رهاشی کاملاً خود بچنگند .

ارتجاع و امپریالیسم منافع بیکران خود را براحشی رها خواهند کرد . شاه گرچه در حلسه وضع موجود و تمرکز نیروهای سرکوب ارتجاع نقش بازی دارد و از اینرو عزیزترین و مهمترین مهره امپریالیسم در ایران است و به همین دلیل سرنگونی شاه خواست عاجل و فوری همه حشهای ایران است - ولی با این همه باید هشیار بود که اربابان او جهت نجات سیستم وحشیانه منافعشان ممکن است در این مقطع بحرانی زیر فشار متحد و یک پارچه ۳۷ میلیون خلق اسپسران مجبور شوند جای او را به یک حکومت دیکتاتور فاشیستی دیگر با ظاهری فریبنده و چهیره ای ناشناخته دهند . این حقیقتی است که احتمال آترابها به از نظر دور داشت . این واقعیتی است که دیگر حشهای ستمکش جهان با آن روبرو بوده اند

نیروهای که جز سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ، جز رهاشی کامل خلق ، آرمانیسی در سر ندارند و صادقانه در این راه می چنگند هر ذراتی ، هر سارشی و هر اشکالی با هر یک از ارکان نظم موجود (شاه ، دستگاه بوروکراسی و ارتش سرکوبگر) را محکوم کرده ، اسرور وظیفه خود می دانند با تدارک اشکال عالی خلق سازماندهی و مبارزه در مسیر بسیج مردم و آغاز جنگ مسلحانه ، در راه استقرار یک حکومت دموکراتیک که منحصراً " از نمایندگان واقعی و انقلابی تمام اقشار و طبقات خلق تشکیل شده باشد ، کام برودارند .

این شرایط وظیفه سنگینی در جهت تبلیغ و شرویح باز هم وسیع تر ضرورت جنگ مسلحانه خلق به حساب می آید . راه رهاشی و تدارک عملی آن بصورت بسیج و بهره گیری از حمایت مادی مردم و کمک به شکل گیری عناصر دفاعی و حمایت از جنبش مسلحانه در میان تمام اقشار و طبقات خلق برآمده همه پیشگامان جنبش انقلابی کنونی ، همه عناصر آگاه ، نهاده است .

این وظیفه ای است که امروز در مقابل تمام نیروهای مبارز و انقلابی قرار گرفته است . وظیفه ای که بدون انجام آن بی شک تمام تلاشهای خلق ما بار دیگر در دریای از خون غسسه خواهد شد .

نابود باد جنبه سازشکاران و فرصت طلبان

مستحکم باد پیوند همه نیروهای مبارز و انقلابی خلق ایران

" سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "

آذرماه ۵۷